

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



THE
NATIONAL
INTEREST

باکو؛ شریک استراتژیک بالقوه‌واشنگتن

کامران بخاری: از دیدگاه ژئوپولیتیک برای ایالات متحده آمریکا، جمهوری آذربایجان یک شریک مهم استراتژیک در اوراسیا محسوب می‌شود. با توجه به ایفای نقش آمریکا در توافق صلح بین آذربایجان و ارمنستان، دولت آمریکا اکنون باید در سیاست خارجی‌اش در قبال کشورهای ترک‌زبان یازنگری کند تا روابط با این کشورها را تقویت کند. آذربایجان، تنها کشوری است که هم با روسیه و هم ایران مرز مشترک دارد و به یکی از نقاط کانونی مداخله اقتصادی و استراتژیک چین تبدیل شده است. برای آمریکا اهمیت ژئواکونومیک جمهوری آذربایجان ناشی از اهمیت این کشور در تامین انرژی جهان و همچنین جایگاه آن در تنوع‌بخشی به مسیرهای جهانی است که در عین حال می‌تواند دسترسی آمریکا را به آسیای میانه تسهیل کند. در ماه‌های اخیر چندین واقعه مهم در روابط آذربایجان و سه دشمن اصلی آمریکا پیش آمده است. یک روز بعد از امضای توافق صلح بین باکو و ایروان با میانجی‌گری ترامپ، مشاور رهبر ایران، کریدور صلح و شکوفایی ترامپ (TRIPP) را «گورستان مزدوران ترامپ» توصیف کرد. الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان در مصاحبه‌ای با العربیه، به تشکیل جمهوری دموکراتیک آذربایجان پس از سقوط امپراتوری روسیه تزاری اشاره کرد که بعد از سه سال توسط شوروی ضمیمه شد. در طول شش ماه گذشته علی‌اف دوبار به چین سفر کرده است. او در یکن از ارتقای روابط دوجانبه چین و آذربایجان به شراکت جامع راهبردی خبر داد و مجدداً در حاشیه اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در تیانجین با رئیس‌جمهور چین دیدار کرد. همه این رویدادها نمایانگر فرصت‌ها و چالش‌های برای منافع آمریکا در قفقاز جنوبی و آسیای میانه است. آذربایجان یک متحد طبیعی برای آمریکا است. یک کشور با اکثریت شیعه و حکومت سکولار در شمال غربی ایران که مدت‌هاست با جمهوری اسلامی مخالف است، اما محدودیت‌های ژئوپولیتیک باعث شده است که انرژی‌گذاری و توازن‌بخشی باکو ناچیز باشد. پیروزی آذربایجان در جنگ ۲۰۲۰ علیه ارمنستان، توازن قوا را در قفقاز جنوبی به هم زد و انرژی‌گذاری باکو را افزایش داد. علاوه بر این آسیب‌های اخیر به ایران در منازعه با اسرائیل یک فرصت مناسب برای باکو است که به عنوان یک متحد کلیدی آمریکا در مدیریت همسایه خود کمک کند. هم‌زمان کاهش سطح روابط آذربایجان و روسیه فرصتی عالی برای آمریکا ایجاد می‌کند تا روی این روند سرمایه‌گذاری کند. بعد از جنگ دوم قریباغ مشخص شد که تا چه اندازه نفوذ روسیه در باکو کاهش پیدا کرده است. جنگ اوکراین باعث تضعیف هر چه بیشتر توانایی اعمال نفوذ مسکو شده است. این روند وقایع در شمال و جنوب به جمهوری آذربایجان فرصتی بی‌نظیر داده است که به یک پل میان غرب و شرق تبدیل شود. کریدور ترامپ کمک می‌کند تا بن‌بست کریدور میانی در قفقاز جنوبی شکسته شود. در عین حال چین هم از کریدور ترامپ منفعت می‌برد. این منافع متضاد غرب و شرق باعث می‌شود که اهمیت آذربایجان به عنوان کانونی برای اتصال اوراسیا و تجارت جهانی افزایش پیدا کند. برای استفاده از تضعیف موقعیت ایران و روسیه و جلوگیری از پیشرفت منافع چین، آمریکا باید سیاست خارجی‌اش را در قبال باکو اصلاح کند. ماده ۹۰۷ قانون حمایت از آزادی مصوب ۱۹۹۲، یکی از موانع در قبال این تحول است. این قانون در جنگ اول قریباغ برای جلوگیری از کمک مستقیم دولت آمریکا به باکو تصویب شد. با توجه به تسهیل توافق صلح باکو و ایروان توسط ترامپ این ماده قانونی دیگر بی‌معنی است. با این حال این قانون همچنان برقرار است و مانعی برای منافع استراتژیک، اقتصادی و دیپلماتیک آمریکا در اوراسیا محسوب می‌شود. باقی ماندن این قانون به نفع ایران، روسیه و چین است که خواهان شکاف در روابط باکو و واشنگتن هستند. چین نفع‌تها از صلح ارمنستان و آذربایجان منفعت می‌برد، بلکه از طریق پاکستان در حال فروش جنگنده‌های نسل ۴.۵ مدل JF-۱۷ به آذربایجان است. هیچ دلیلی وجود ندارد که آمریکا نتواند چنین تجهیزاتی را اختیار آذربایجان بگذارد. شرکت‌های آمریکایی منافع زیادی به‌خصوص در حوزه انرژی در آذربایجان دارند. در عین حال آذربایجان می‌تواند مسیری برای دسترسی به نفت قزاقستان و گاز ترکمنستان باشد که باعث می‌شود اهرم قدرت انرژی روسیه تضعیف شود. منطقی این است که کاخ سفید ترامپ با استفاده از موجهی که با توافق کریدور ترامپ ایجاد شده است، تغییر سیاست را در پیش بگیرد. توفیق آمریکا در اوراسیا به تقویت روابط با آذربایجان بستگی دارد. این موضوع به دلیل پیشرفت‌های چین در منطقه فوریت دارد. لوگو کردن ماده ۹۰۷ قانون حمایت از آزادی برای تقویت منافع آمریکا اهمیت بسیاری دارد.

دیپلماسی

DIPLOMACY



نگاه کارشناس



حامد وفایی کارشناس مطالعات چین در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

کلید رابطه با چین دست تهران است

چین بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت را علیه ایران غیرقانونی می‌داند



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

سال گذشته چین با نزدیک به ۳۵ میلیارد دلار تجارت با ایران، شریک اصلی تجاری ایران محسوب می‌شد. این کشور هم بزرگ‌ترین صادرکننده و هم بزرگ‌ترین واردکننده کالا از ایران محسوب می‌شود. در این میان بخش اعظم نفت خام صادراتی ایران، یعنی بیش از ۹۰ درصد از صادرات نفت خام که اصلی‌ترین منبع درآمد ایران محسوب می‌شود، به چین صادر می‌شود. با اقدام سه قدرت اروپایی در فعال‌سازی مکانیسم اسنپ یک و بازگشت قطعنامه‌های ۶ گانه تحریمی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران از روز ۶ مهر، آینده مناسبات اقتصادی ایران با جهان تحت تأثیر این تحریم‌های جدید قرار خواهد گرفت. چین به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران، یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل است که هرچند بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ به

۶ قطعنامه تحریمی علیه ایران رای مثبت داده است، اما در شرایط فعلی، ۱۰ سال پس از توافق برجام، خواستار جلوگیری از بازگشت این قطعنامه‌ها شد و به پیش‌نویس قطعنامه‌هایی برای توقف اسنپ یک رای مثبت داد. سوال اینجاست که با توجه به ادعای کشورهای غربی مبنی بر بازگشت این قطعنامه‌ها، چین تا چه اندازه خود را موظف به اجرای آنها می‌داند؟ حامد وفایی، استاد مطالعات چین در دانشگاه تهران معتقد است که یکن در مواضع رسمی خود، بازگشت قطعنامه‌ها را غیرمشروع توصیف کرده و اعلام کرده است که به مناسبات تجاری خود با ایران ادامه خواهد داد. به اعتقاد این استاد دانشگاه، مادامی که ایران خطوط قرمز یکن در مورد مسائل عدم اشاعه و رعایت چارچوب‌های بین‌المللی را رعایت کند، چین‌ها تمایلی به قطع مناسبات با تهران نخواهند داشت. وفایی معتقد است که کلید توسعه روابط با چین در دوران تحریم در دستان تهران است و تهران باید بتواند نقشه راهی عملی و راهبردی برای توسعه روابط با چین تنظیم کند. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «هم‌میهن» را با حامد وفایی، استاد مطالعات چین در دانشگاه تهران، مطالعه می‌کنید.

روسیه و حتی بین خود این دو کشور یعنی بین روسیه و چین مطرح است. وقتی سیاست‌های چین را مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که چین برای کشورهای حوزه غرب آسیا از یک دهه قبل برنامه‌ریزی ویژه‌ای را انجام داده و این منطقه را به عنوان محیط پیرامونی خود شناسایی کرده و سیاست‌هایی که در قبال این منطقه اعمال می‌کند با دیگر نقاط جهان متفاوت است.

ما باید توجه داشته باشیم که در سیاست خارجی چین جایگاه سازمان‌های بین‌المللی و چارچوب‌های بین‌المللی به چه شکلی است و جمهوری اسلامی در این چارچوب چه وضعیتی را پیدا می‌کند. درباره موضع چین باید اشاره کنم که ایران با چین و روسیه از ماه‌ها قبل هماهنگی‌های خودش را در خصوص اسنپ یک شروع کرده بود. از آنجا که احتمال قوی داده می‌شد که اروپایی‌ها از این مکانیسم استفاده کنند، جمهوری اسلامی به درستی هماهنگی و رایزنی‌های ضروری را با چین و روسیه به عنوان اعضای دائم شورای امنیت که هم‌زمان عضو برجام هم بودند، شروع کرده بود و اتفاقاتی که الان رخ می‌دهد از ماه‌ها قبل بین سه کشور یعنی ایران، چین و روسیه هماهنگ شده است.

اینگونه نیست که چه روسیه و چه چین که به خاطر گل روی ما یا به خاطر مثلاً خوشایند کسی این کار را کرده باشند. همان سه‌ضلعی‌ای که عرض کردم در تصمیماتی که چین

اصل فعال‌سازی

مکانیسم ماشه به

بیان چینی‌ها عجولانه

و غیرقانونی بود، چون

طبق چارچوب برجام

اولاً که اروپایی‌ها

برجام را نقض کردند

و شما در توافقی که

خودتان نقض کردید

نمی‌توانید مدعی

باشید و دوم اینکه

طبق برجام اگر قرار

باشد سازوکار ما

فعال شود باید یک

کمیته حل اختلاف

تشکیل شود و

مراحلی که در برجام

مشخص شده اجرا

شود که اروپایی‌ها

اینها را دور زدند

و روسیه اتخاذ می‌کنند موثرند؛ یعنی هم مناسبات‌شان با ساختار کلی قدرت در نظام بین‌الملل، هم مسائل چندجانبه در مناطق مختلف و سازمان‌های بین‌المللی مثل شانگهای و بریکس و هم مباحث دوجانبه. محور این اقدام‌ها نه بر مبنای مظلومیت و حقانیت ایران است و نه برای خوشایند جمهوری اسلامی بلکه تصمیم‌ها بر اساس منفعی است که این کشورها برای خودشان تعریف کرده‌اند. منافع امروز آنها اینگونه ایجاب می‌کند و جمهوری اسلامی ایران هم باید با زیرکی و هوشیاری در چارچوب بازی برد-برد از این منافع بهره‌برداری کند. یعنی فضایی را فراهم کنیم که آنها هم برد بکنند. باید توجه داشته باشیم که تداوم این فضا مستلزم سیاستگذاری دقیق و گام به گام با این کشورها است.

وقتی که معاون وزیر خارجه ما به یکن سفر کرد، با ابتکاری که چینی‌ها شکل دادند یک گفت‌وگوی سه‌جانبه برای آمادگی جهت مواجهه با ماجرای اسنپ یک اتفاق افتاد. همان جا وزیر خارجه چین یک پیشنهاد پنج‌ماده‌ای را مطرح کرد که بخش‌های مختلفی داشت. در آن پیشنهادها بحث اصل تحریم‌ها مورد رد و تردید طرف چینی و روسیه قرار گرفت. از دیدگاه چین ایران تعهدات خودش را در برجام انجام داده قاعداً شایسته این نیست که با تنبیه مواجه شود و چینی‌ها از مدت‌ها قبل بر این موضوع تأکید دارند. به همین خاطر هم بوده که مدام بر تداوم تعهدات جمهوری اسلامی تأکید کردند. به همین دلیل هم بود که وقتی جریانانی در ایران بحث خروج از پیمان عدم اشاعه هسته‌ای (NPT) و یکسری اقدامات رادیکال را مطرح می‌کردند کارشناسان تأکید داشتند که با چنین اقدام‌هایی حمایت چین و روسیه را از دست خواهیم داد.

چینی‌ها در سیاست خارجی خودشان یکسری خطوط قرمز را ترسیم کرده‌اند و بر اساس آنها در نظام بین‌الملل اقدام و تصمیم‌گیری می‌کنند. یکی از این خطوط قرمز چارچوب‌های نظام بین‌الملل و سازمان ملل متحد است. اینجا پارادوکسی وجود دارد که این نظام و سازمان‌ها توسط غرب و به‌خصوص آمریکایی‌ها ایجاد شده و امروز آمریکایی‌ها هستند که اصول آنها را زیر پا می‌گذارند و چینی‌ها هستند که از آن دفاع می‌کنند. در آن پنج پیشنهاد که آقای وانگنی در نشست سه‌جانبه ایران، چین و روسیه مطرح کردند این موضوع به وضوح اصرار شد که چین پایبندی خودش را به اصل متوازن بودن تعهدات و حقوق اعلام می‌کند. معانیش این است که اگر جمهوری اسلامی تعهداتی را که پذیرفته و به آنها عمل کرده باید از حقوقی هم بر خوردار باشد. در برجام بعد از خروج یک‌جانبه ترامپ و تحریم‌هایی که انجام دادند و همراهی اروپایی‌ها به نوعی چارچوب‌هایی مدنظر چینی‌ها رعایت نشد. این موضوع به لحاظ حیثیتی برای چین که خود را حافظ چارچوب‌های بین‌المللی می‌داند و امروز قدرت دوم اقتصادی جهان و عضو دائم شورای امنیت است، یک نوع شرایط نابسان و ناخوشایندی را ایجاد می‌کرد. به همین خاطر در همان پیشنهادات پنج‌گانه آقای وانگنی اشاره شد که باید یک چارچوب جدیدی بر اساس برجام تدوین شود به کشورها که به آن پایبند باشند و مسئله هسته‌ای ایران از طریق گفت‌وگو و دیپلماسی حل و فصل شود. همان زمان هر سه کشور اشاره کردند که ورود شورای امنیت را به این مسئله، که اشاره مستقیم به مکانیسم اسنپ یک است، به رسمیت نخواهند شناخت. اصل فعال‌سازی مکانیسم ماشه به بیان چینی‌ها عجولانه و غیرقانونی بود، چون طبق چارچوب برجام اولاً که اروپایی‌ها برجام را نقض کردند و شما در توافقی که خودتان نقض کردید نمی‌توانید مدعی باشید و دوم اینکه طبق برجام اگر قرار باشد سازوکار مافعال شود باید یک کمیته حل اختلاف تشکیل شود و مراحلی که در برجام مشخص شده اجرا شود که اروپایی‌ها اینها را دور زدند. چین در یک نامه رسمی که به شورای امنیت و سازمان ملل نوشته و با امضای آقای وانگنی است و نماینده چین در شورای امنیت یعنی آقای گنگ شوانگ آن را به سازمان ملل ارسال کرده، در آن نامه اعلام می‌شود که اصلاً جلسه شورای امنیت برای اسنپ یک تشکیل نشد. آن جلسه برای بررسی مسائل دیگری بود و اروپایی‌ها ناگهان این موضوع را مطرح کردند و این خلاف چارچوب‌های تعیین‌شده در شورای امنیت و در برجام و در قطعنامه‌های سازمان ملل است و چین این را نمی‌پذیرد.

❖ برخی کارشناسان معتقدند ۶ قطعنامه بازگشته شورای امنیت، قطعنامه‌هایی هستند که چین و روسیه خودشان به آن رای مثبت داده‌اند و به این دلیل که این دو کشور از اعضای دائم شورای امنیت هستند و قطعنامه‌های ششورا را ابزار اعمال نفوذ و قدرت خود می‌دانند، از این قطعنامه‌ها سرپیچی نخواهند کرد، چرا که بعداً موقعیت خودشان را در مقابل قطعنامه‌هایی که منافع خودشان را تأمین می‌کند به خطر می‌اندازد.

فکر می‌کنید این تحلیل تا چه اندازه درست باشد؟

دقت داشته باشید دقیقاً زمانی که در دوره آقای احمدی‌نژاد، ایران چارچوب‌های بین‌المللی را به همین شکل زیر پا می‌گذاشت و می‌گفت «ما قطعنامه را قبول نداریم اینقدر قطعنامه بدید تا خسته بشوید» یا می‌گفت که «قطعنامه‌ها کاغذپاره هستند» و از این جور مباحث، در همان دوره چین به‌رغم اینکه روابط اقتصادی‌اش با جمهوری اسلامی در یک شرایط خوب قرار داشت به همین قطعنامه‌هایی که امروز در حال برگشت هست علیه ما رای مثبت داد. این نکته را از این جهت گفتیم که رعایت چارچوب‌ها و قواعد بین‌المللی